

بررسی نقش سپاه در تثبیت نظام و مقابله با بحرانها.....

محمد رضا احمدی

استادیار پژوهشکده تحقیقات اسلامی

چکیده

به نص صریح، اصل یکصد و پنجاهم قانون اساسی جمهوری اسلامی، سپاه پاسداران نگهبان انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن می باشد. به همین جهت تلاش برای دفاع از حریم های امنیت ملی و منافع ملی جمهوری اسلامی و حفظ ثبات و اقتدار آن و مقابله با بحرانهایی که برای آن ایجاد می شود، مهم ترین وجه مأموریت راهبردی سپاه پاسداران است و قانونگذار با تثبیت استمرار وجود سپاه با توجه به کارکردهای گسترده و متنوع روزهای نخستین پیروزی انقلاب، آن را جزء ماهیت ذاتی نظام جمهوری اسلامی قرار داده تا در راستای انجام این مأموریت راهبردی دچار تغییرات نابجا نشود و تحت تأثیر رویکردهای سیاسی و جناحی دولت های مختلف قرار نگیرد.

کلید واژه ها: سپاه پاسداران، قانون اساسی، تثبیت نظام، چالش های قدرت، بحران، مقابله با بحران.

مقدمه

طوبای طیبه سپاه که ریشه در تاریخ خونریز مبارزات حق طلبانه تشیع سرخ علوی دارد. از جمله مهم ترین و راهبردی ترین نهادهایی است که پس از پیروزی این انقلاب شکل گرفته است.

این نهاد اسلامی و انقلابی که برای نگرهبانی از انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن تأسیس شده بود، برای مقابله با تهدیدات و تحرکات دشمنان انقلاب در عرصه‌های گوناگون نظامی، امنیتی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و حتی سازندگی با قدرت و صلابت انقلابی خود حاضر شده و به ایفای نقش پرداخته است. اما به مرور و با شکل‌گیری نهادهای مختلف رسمی و قانونی برای عرصه‌های مختلف، تشکیک‌ها و تردیدهایی برای حیطه‌های گوناگون فعالیت سپاه و حتی ضرورت استمرار وجود آن ایجاد کرده و به نوعی در حوزه‌های کارکردی این نیروی راهبردی انقلاب ابهام آفرینی نموده‌اند.

با توجه به چالش‌ها و تهدیدهای متعددی که انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران با آن مواجه است، پاسخ به این پرسش اساسی که «سپاه پاسداران در تثبیت نظام اسلامی چه نقشی ایفا نموده و در مقابله با بحرانها و چالش‌های پیش روی نظام چه نقشی را باید ایفا نماید؟»، در چگونگی طراحی و اجرای راهبردهای امنیت ملی و نحوه سازماندهی و آماده سازی سپاه می‌تواند تعیین کننده و سرنوشت ساز باشد.

این مقاله در پاسخ به این پرسش، با تحلیل ماهیت رسالت و مأموریت ذاتی سپاه در قانون اساسی، قوانین عادی و دیدگاه‌های حضرت امام خمینی (س) و مقام معظم رهبری و بررسی بسترهای تاریخی شکل‌گیری و عملکرد سپاه، در پی اثبات این فرضیه است که «سپاه به عنوان یک نیروی دفاعی استراتژیک برای نگرهبانی از انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن - از جمله مهم‌ترین این دستاوردها یعنی نظام جمهوری اسلامی ایران - باید با ساختاری منعطف و سیال و قابلیت عمل اقتضایی برای مقابله با انواع تهدیدهای سخت، نیمه سخت و نرم در عرصه‌های نظامی، امنیتی، اطلاعاتی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و حتی سازندگی حضور یابد. (آنچنان که هنگام تصویب قانون اساسی حضور داشته است).

ابهام زدایی از این مأموریت راهبردی، هنگام تصویب قوانین مربوط به هر یک از نهادهای مسئول و قانونی در عرصه‌هایی که سپاه حضور داشته، به نوعی صورت گرفته ولی همچنان توضیح و تشریح جایگاه قانونی و واقعی سپاه در این عرصه‌ها نیازمند بررسی و مطالعه است.

۱. موضوع اصلی مأموریت ذاتی سپاه

بنا به نص صریح اصل یکصد و پنجاهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مأموریت قانونی و قطعی سپاه، نگرهبانی از انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن می‌باشد.

برای شناخت دقیق‌تر موضوع، باید مفهوم انقلاب را مورد بررسی بیشتری قرار دهیم. انقلاب به عنوان یک پدیده سیاسی-اجتماعی، عبارت است از فرایندی که در درون خود تحولات بنیادین و اساسی را در بخش‌ها، نهادها و لایه‌های مختلف جامعه به همراه دارد به گونه‌ای که حاصل و پیامد آن فروپاشی نظام ناکارآمد و نامشروع قبلی و جایگزینی نظام مقبول، مشروع و کارآمد جدید متناسب با آرمانها و نیازهای اساسی مردم است.

از نظر «جان میلتون» نویسنده کتاب «بهشت گمشده»، انقلاب حقی است برای جامعه که به وسیله آن نظامی جدید متناسب با نیازهای خود و برای کسب آزادی ایجاد می‌کند.^۱ «امانوئل کانت» آن را امری طبیعی و فطری قلمداد می‌کند که به وسیله آن جامعه اصول و مبانی اخلاقی خود را کاربردی و عملیاتی می‌کند تا زمینه‌های تحقق آرمانهای خود را فراهم سازد.^۲

بنابراین، انقلاب در مفهوم اصیل خود، حرکتی است هوشمندانه و هدفدار که با مشارکت همه جانبه مردم یک جامعه طی فرایندی خاص-متناسب با خصوصیات آن جامعه- به وجود می‌آید تا بسترهای لازم را برای تحقق آرمانهای یک جامعه و برآوردن نیازهای اساسی آن در مسیر توسعه و تعالی را فراهم آورد.

با این وصف، انقلاب اسلامی را باید رویدادی شگرف و تحولی عمیق دانست که حاصل تجارب فکری، سیاسی و اجتماعی تاریخ طولانی مبارزات اسلامی بر مبنای فرهنگ اهل بیت-علیهم السلام-بازیابی هویت فرهنگی-تاریخی امت اسلامی، بازگشت دوباره به اسلام اصیل و تفسیری نو از آموزه‌های دینی با هدف فرهنگ سازی و تمدن‌پردازی بر مبنای اندیشه ناب اسلامی دانست که در کوران حاکمیت مطلق مدل‌های نوسازی اجتماعی مبتنی بر الحاد و مادیت سوسیالیسم شرقی و یا مادیت سکولار و سرمایه‌داری لیبرال غربی به صورتی معجزه‌آسا در بی بدیل‌ترین منطقه ژئوپلیتیکی ژئواستراتژیکی جهان به وقوع پیوسته است.

با توجه به ماهیت انقلاب اسلامی، تبار تاریخی و الگوهای رفتاری پذیرفته شده اعلامی آن، می‌توان رسالت اصلی این انقلاب را به صورت زیر در نظر گرفت: «نهی نظام سلطه استکباری حاکم بر جهان و ارائه الگوی برتر فرهنگی - تمدنی هماهنگ با مقتضیات فطری بشر و نیازهای جهان مرفعی در بستر زمان، مبتنی بر اسلام ناب محمدی (ص)»

این انقلاب الهی در پیشبرد آرمان و رسالت خود دستاوردهای عظیمی داشته که استقرار نظام جمهوری اسلامی با شعار مبنایی «نه شرقی نه غربی» در منطقه بی بدیل ژئوپلیتیکی جهان یعنی خاورمیانه و سپس، ایجاد ثبات پایدار در جغرافیای سیاسی آن و کسب مقبولیت مردمی و مشروعیت کارکردی برای این نظام از بزرگترین این دستاوردها می‌باشد.

۲. نسبت دوگانه جمهوری اسلامی با انقلاب اسلامی

جمهوری اسلامی ایران از دو جهت با انقلاب اسلامی در تعامل و ارتباط تنگاتنگ قرار می‌گیرد:

الف - مدل عینی و ساختار یافته آرمان و رسالت انقلاب اسلامی است و به عنوان یک نظام نوظهور و نوپا که در نوع خود مسبوق به سابقه قبلی نیست، در دوران پسانوگرایی (Post Modern) بستر واقعی برای عینیت بخشی و عملیاتی کردن اهداف و ارزش‌های مورد نظر انقلاب است.

این سخن بدین معنی است که در صورت اثبات کارآمدی و اثربخشی این نظام و موفقیت آن در دستیابی به قله‌های واقعی توسعه یافتگی بر مبنای الگوهای درونزاد و بومی منطبق بر فرهنگ دینی، می‌تواند به عنوان عاملی پیش برنده برای ترویج ارزش‌های انقلاب اسلامی عمل نماید و در غیر این صورت، امکان موفقیت در اقناع مخاطبان انقلاب و برانگیختن آنان در این مسیر عملاً از بین خواهد رفت.

ب - کشور ایران، هم زادبوم و خاستگاه انقلاب اسلامی است و زیست بوم آن؛ از این منظر، ظرفیت‌ها و قابلیت‌های گوناگون طبیعی، سیاسی، فرهنگی، نظامی و ژئوپلیتیکی ایران بزرگترین پشتیبان و منادی انقلاب اسلامی است. بنابراین، یک رابطه مستقیم و دوسویه میان میزان موفقیت، اقتدار، ثبات و توسعه یافتگی آن با پویایی، بالندگی و حضور

فعال انقلاب اسلامی و آرمانها و ارزش‌های آن در عرصه‌های مختلف منطقه‌ای و بین‌المللی وجود خواهد داشت.^۳

۳. جایگاه سپاه در ساختار جمهوری اسلامی

با توجه به توضیحاتی که داده شد باید گفت یکی از مهم‌ترین ابعاد مأموریتی سپاه در دفاع از انقلاب اسلامی، دفاع از استقلال، امنیت، تمامیت ارضی، ثبات، اقتدار و کارآمدی جمهوری اسلامی ایران و حریم‌های امنیت ملی و منافع ملی آن است. این مهم در بستر تاریخی شکل‌گیری و کارکردی آن نیز بخوبی آشکار و نمایان است. مضافاً آنکه در قوانین رسمی جمهوری اسلامی نیز این نکته اساسی با درایت و هوشمندی تمام مورد توجه و تأکید قرار گرفته است.

سپاه پاسداران از همان روزهای نخستین پیروزی انقلاب، با جذب و سازماندهی عناصر پاک‌باخته، مؤمن، صدیق، فداکار و انقلابی تشکیل شد و به دلیل شرایط حاکم بر کشور، فروپاشی نظام وابسته قبلی، عدم شکل‌گیری نهادهای رسمی و قانونی، مقاومت‌های عناصر و بقایای رژیم شاهنشاهی، کارشکنی‌های ضد انقلاب داخلی و خارجی و تشدید و تحریک انواع واگرایی‌های قومی، مذهبی و سیاسی در جای‌جای کشور و ناتوانی دستگاه‌های اجرایی مسئول در انجام وظایف قانونی خود از حیطه‌های عملیاتی بسیار گسترده و در عین حال متنوعی برخوردار بود.

از مبارزه با ضد انقلاب تا حفظ ثبات و آرامش شهرها و روستاها و از حراست مرزهای زمینی، هوایی و دریایی تا دیده بانی از حریم‌های امنیتی و اطلاعاتی کشور و از حفاظت شخصیت‌های برجسته و طراز اول نظام و مراکز حساس و حیاتی آن تا مشارکت در دفاع سیاسی - فرهنگی از انقلاب و حضور فعال در عرصه‌های سازندگی و بازسازی ویرانه‌های بجا مانده از دوران ستمشاهی، همه و همه در قلمرو فعالیت‌ها و مسئولیت‌های این نهاد انقلابی قرار می‌گرفت.

در چنین فضایی از بستر شکل‌گیری و کارکردی سپاه بود که خبرگان قانون اساسی در اصل یکصد و پنجاهم آن مقرر نمودند: «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که در نخستین

روزهای پیروزی انقلاب اسلامی تشکیل شد، برای ادامه نقش خود در نگرهبانی از انقلاب و دستاوردهای آن، پابرجا می ماند...»

بنابراین قانون اساسی، ضمن تأیید نقش وسیع، متنوع، چندگانه و راهبردی سپاه به همان صورتی که به اقتضای شرایط حاکم بر موضوع مأموریت ذاتی آن - یعنی انقلاب اسلامی و دستاوردهایش - پیش آمده بود، بر ادامه نقش آفرینی آن به همین صورت - البته در مواقع ضروری و در چارچوب قوانین عادی تأکید ورزیده است.^۴

۴. وظایف و مأموریت‌های سپاه در قوانین عادی

با توجه به شکل‌گیری تدریجی نهادهای قانونی و رسمی در حوزه‌های مختلف کارکردی سپاه، تفکیک این وظایف میان سپاه و نهادهای مزبور به مرور و در طی تصویب لوایح و طرح‌های قانونی متعددی صورت گرفته که به دلیل رعایت اختصار به صورت فهرست وار به آنها اشاره می‌شود:

یک. اساسنامه سپاه مصوب شورای انقلاب در تاریخ ۱۳۵۸/۲/۲ که بعدها به صورت کاملتر در تاریخ ۱۳۶۱/۲/۱۴ در مجلس شورای اسلامی تصویب و ابلاغ شد.

دو. قانون ادغام سازمان بسیج ملی مستضعفین در سپاه که در تاریخ ۱۳۵۹/۱۰/۲۸ به تصویب رسید.

سه. قانون تشکیل وزارت اطلاعات در تاریخ ۱۳۶۲/۶/۱۰ که طی آن برخی وظایف و مأموریت‌های اطلاعاتی سپاه به این وزارتخانه منتقل شد.

چهار. قانون اساسنامه کمیته انقلاب اسلامی در تاریخ ۱۳۶۵/۳/۴ که بسیاری از وظایف انتظامی سپاه را به کمیته‌های انقلاب اسلامی واگذار نمود.

پنج. قانون ارتش جمهوری اسلامی در سال ۱۳۶۶ که به صورت کلی وظایف ارتش و سپاه را تفکیک می‌نمود.

شش. قانون ادغام دو وزارت خانه سپاه و دفاع و تشکیل وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح در تاریخ ۱۳۶۸/۵/۲۸ که حدود اختیارات و نحوه تعامل این وزارتخانه را با سپاه مشخص می‌کرد.

هفت. قانون حمایت از انقلاب اسلامی مردم فلسطین در تاریخ ۱۳۶۹/۲/۱۹ که وظایف و مسئولیت‌های سپاه را در این رابطه معین ساخته بود.

هشت. قانون تشکیل نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (ناجا) که مرزبندی دقیق‌تری میان وظایف انتظامی سپاه و این نیروی جدید التاسیس انجام می‌داد.

نه. با تصویب قانون مقررات استخدامی سپاه در تاریخ ۱۳۷۰/۲/۲۱ دو وظیفه اساسی «جهاد در راه خدا» و «دفاع مسلحانه از انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن و نظام جمهوری اسلامی» برای پاسداران شاغل در سپاه تعیین گردیده است.

ده. در قانون حمایت قضایی از بسیج، مصوب ۱۳۷۱/۱۰/۱، سپاه موظف شده به عنوان ضابط قوه قضائیه، با جرائم مشهود در چارچوب فریضه مقدس امر به معروف و نهی از منکر برخورد و مبارزه نماید.

یازده. و سرانجام در مورخ ۱۳۷۵/۲/۹، با تصویب قانون تشکیل بسیج دانش‌آموزی، ایجاد روحیه همیاری، مسئولیت‌پذیری و آمادگی دفاعی همه جانبه از انقلاب اسلامی و بسط فرهنگ و تفکر بسیجی و مقابله با تهاجم فرهنگی غرب و تثبیت و ترویج فرهنگ جبهه و تجارب ارزشمند دفاع مقدس نیز به عهده سپاه گذاشته شد.

با توجه به قوانین عادی یاد شده، وظایف کلی سپاه را در موارد زیر می‌توان خلاصه کرد:

- الف. نگاهبانی از انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن؛
- ب. کوشش مستمر در راه تحقق آرمان‌های الهی؛
- ج. گسترش حاکمیت قانون خدا - طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران -؛
- د. تقویت کامل بنیه دفاعی جمهوری اسلامی ایران از طریق همکاری با سایر نیروهای نظامی و انتظامی (ارتش و ناجا).^۵

با مراجعه به متن قوانین یاد شده، ملاحظه می‌شود که سپاه در راستای دفاع از انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن در برابر تهدیدهای سخت (نظامی) تهدیدهای نیمه سخت (امنیتی و انتظامی) و تهدیدهای نرم (فرهنگی) مسئولیت داشته و این مسئولیت را در قالب وظایف انتظامی، نظامی، اطلاعاتی، فرهنگی، حمایت از نهضت‌های آزادی بخش ملل مسلمان و مستضعف، و حیطة گسترده و متنوع بسیج انجام می‌دهد.

۵. ویژگی‌های سپاه پاسداران

از نظر خبرگانی که قانون اساسی جمهوری اسلامی را تنظیم کرده‌اند و یا قانونگذاران قوانین عادی، سپاه پاسداران برای اینکه بتواند مأموریت‌ها و وظایف قانونی خود را به نحو مطلوب انجام دهد باید از ویژگی‌های خاصی برخوردار باشد. برخی از مهم‌ترین این ویژگی‌ها را به شرح زیر می‌توان برشمرد:

یکم. نظامی و مسلح بودن: این ویژگی علاوه بر آنکه در مقدمه قانون اساسی به عنوان یک نیروی نظامی و ارتش مکتبی برای سپاه در کنار ارتش جمهوری اسلامی برشمرده شده، در اصول یکصد و پنجاه و یکصد و هفتاد و دوم این قانون نیز مورد تأکید مجدد قرار گرفته است.

دوم. مردمی و انقلاب بودن؛ پیوستگی دینی، انقلابی و فرهنگی سپاه پاسداران با مردم مسلمان و انقلابی که در دوران انقلاب و پس از آن در سالهای خون و آتش و حماسه و ایثار، طی هشت سال دفاع مقدس در برابر متجاوزان بعثی و حامیان بین‌المللی و مستکبر آنان شکل گرفت و عمق استراتژیکی مردمی سپاه را عینیت بخشید، یکی دیگر از ویژگی‌های بارز و برجسته سپاه می‌باشد و آن را از سایر سازمانهای مسلح متمایز می‌سازد، این ویژگی بود که توانایی جذب، سازماندهی و بکارگیری نیروی عظیم مردمی بسیج را برای سپاه به وجود آورد.

سوم. اسلامی بودن؛ این ویژگی هر چند در کلیت خود برای همه ارکان نظام اسلامی ایران ساری و جاری است، ولی درباره سپاه به شکل خاص موضوعیت می‌یابد. اسلامی بودن سپاه از دو جهت مدنظر قانونگذار بوده است:

الف - از جهت آرمان، رسالت، اهداف و مأموریت‌های ذاتی و قوانین و مقررات و رویه‌های سازمانی حاکم بر آن.

ب - از جهت خصوصیات فردی عناصر تشکیل دهنده آن که باید با دقت در گزینش، آموزش، بهسازی و به کارگیری این عناصر مورد توجه و تأکید مدیران منابع انسانی سپاه قرار گیرد.^۶

چهارم. دفاعی و راهبردی بودن؛ در یک نگرش کلی باید گفت دکترین نظامی اسلام، دکترین پدافندی و دفاعی است نه آفندی و تهاجمی.

بر این موضوع استدلالها و شواهد زیادی اقامه شده که در اینجا مجال پرداختن به آنها وجود ندارد.^۷ ولی فی الجمله باید گفت نص صریح اصل یکصد و پنجاه قانون اساسی نیز به ماهیت دفاعی سپاه تأکید نموده و استمرار بقای آن را برای «نگهبانی از انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن» تثبیت می‌کند.

پرواضح است که تا انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن مورد هجوم یا تهدید قرار نگیرد، عملاً و منطقاً مأموریت عملیاتی خاصی را برای سپاه پاسداران نمی‌توان متصور بود. با این وجود نکته‌ای که نباید مورد غفلت و فراموشی قرار گیرد این است که انقلاب اسلامی پدیده‌ای است که ماهیت فرهنگی - سیاسی داشته و حوزه‌های حضور آن، فراسرزمینی است و در محدوده جغرافیای سیاسی و مرزهای سرزمینی ایران محصور و محدود نمی‌شود، ضمن آنکه منحصر به مردم مسلمان ایران نیز نمی‌باشد. چرا که به تعبیر رهبر معظم انقلاب اسلامی، این انقلاب، انقلاب اسلام است. انقلاب قرآن است نه انقلاب شیعه و یا صرفاً انقلاب مردم ایران.^۸

با این توضیح، چند ویژگی مهم دیگر را نیز برای سپاه می‌توان برشمرد:

یکم. ماهیت سازمانی سپاه را نمی‌توان در جنبه‌های نظامی و دفاع مسلحانه از انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن خلاصه کرد، زیرا به دلیل ماهیت انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن، تهدیدها و آسیب‌هایی که می‌تواند متوجه آن گردد در تهدیدات نظامی (سخت) خلاصه نمی‌شود، بلکه ابعاد امنیتی، سیاسی و فرهنگی را نیز در بر می‌گیرد.

دوم. محیط عملیاتی سپاه نیز صرفاً در جغرافیای سیاسی و یا مرزهای سرزمینی ایران تعریف نمی‌شود بلکه به تناسب آرمان و رسالت جهانشمول و فراسرزمینی انقلاب و اسلام، هر جایی که امواج نورانی پیامهای انقلاب پرتوافکنی کند و حوزه نفوذ آن تلقی شود، برای ایجاد حریم امنیتی لازم، حوزه عملیاتی سپاه پاسداران نیز تلقی خواهد شد.

این موضوع، از جهت ضرورت کسب اشراف اطلاعاتی برای دیده بانی از منافع انقلاب اسلامی و شناخت انواع آسیب‌ها و تهدیدها و راههای مقابله با آنها وظیفه غیر قابل تردید سپاه می‌باشد.

سوم. درست است که رویکرد انقلاب اسلامی - با توجه به منطبق و ماهیت جهانشمول اسلام - در برخورد با محیط و تحولات محیطی، برخورد فعال (Active) و آینده پردازانه

(Pro Active) است نه برخورد انفعالی و تأثیرپذیر (Passive) اما باید توجه داشت که این بدین معنا نیست که تهاجم به محیط از سوی انقلاب اسلامی، تهاجم نظامی و اجبار و اکراه مخاطبان انقلاب و اسلام به پذیرش و تمکین در برابر خواسته‌های انقلابی و اسلامی باشد، زیرا، به استنباط منطق قرآنی «لا اکراه فی الدین قد تبین الرشد من الغی»^۹ و «لا تَظْلِمُونَ و لا تُظْلَمُونَ»^{۱۰}، ایستادگی در برابر زیاده‌خواهی‌های بازیگران مستکبر در عرصه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و تبیین موازین «رشد و غی» در موضوعات گوناگون جهانی - بویژه آنجایی که ارتباط بیشتری با اسلام و امت اسلامی دارد - و تلاش برای پیشبرد آرمانهای مشترک بشری و اسلامی، همانا از طریق «جهانی سازی گفتمان عدالتخواهی و معنویت‌گرایی» و بازگشت دوباره به فرهنگ و دعوت انبیاء الهی - علیهم السلام - خواهد بود.

چهارم. از توضیحاتی که داده شد، بخوبی روشن می‌شود که سپاه پاسداران یک نیروی دفاعی راهبردی و در خدمت آرمان و رسالت انقلاب اسلامی است و تلاش برای تثبیت نظام جمهوری اسلامی و مقابله با بحرانهایی که ممکن است این نظام با آن مواجه شود، مهم‌ترین وجه و مصداق مأموریت ذاتی سپاه می‌باشد.

به همین دلیل، ماهیت مأموریت آن چند وجهی و چند پیشگی است و ساختار آن نیز باید منعطف و با قابلیت عمل اقتضایی باشد.

پنجم. به تناسب ماهیت انقلاب اسلامی و نوع تحولات و مؤلفه‌های قدرت در شرایط کنونی نظام بین‌الملل و چالش‌های قدرت برای چشم‌انداز ترسیم شده جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ ه. ش، که بیشتر نرم‌افزاری است تا سخت‌افزاری، «پویش قدرت» برای توانمندسازی سپاه نیز (هم در سطح و هم در عمق و هم در ماهیت) باید بیشتر جنبه نرم‌افزاری داشته باشد و به تبع آن نیز «پایش انقلاب» و جمهوری اسلامی نیز بیشتر «پایش نرم‌افزاری» خواهد بود تا سخت‌افزاری.^{۱۱}

ششم. پیش‌بینی وجود سپاه در قانون اساسی در کنار سایر نهادهای اساسی نظام بیانگر این واقعیت است که از دید قانونگذار و روح حاکم بر قانون اساسی، سپاه پاسداران بخشی از ذات و ماهیت نظام جمهوری اسلامی است نه ابزاری اجرایی که دولت‌های مختلف بتوانند متناسب با سیاست‌ها و رویکردهای جناحی یا حزبی خود در آن دخل و تصرف نمایند.^{۱۲}

۷. نتیجه

با توجه به اطلاعاتی که در این مقاله گزارش شد، می‌توان نتیجه گرفت که استقرار نظام جمهوری اسلامی با شعار محوری «نه شرقی نه غربی» در اوج حاکمیت مادیت الحادی سوسیالیسم شرقی و سرمایه‌داری لیبرال غربی در بی بدیل‌ترین نقطه ژئوپلیتیکی جهان، یکی از بزرگ‌ترین دستاوردهای انقلاب اسلامی بوده و سرنوشت این نظام از دو جهت رابطه تنگاتنگ و مستقیم با انقلاب اسلامی دارد. یکی آنکه مدل عینی و ساختار یافته آرمان و رسالت انقلاب اسلامی است و دوم آنکه به عنوان زادبوم و خاستگاه این انقلاب با تمام ظرفیت‌ها و قابلیت‌های حامی و منادی ارزش‌های آن می‌باشد.

به همین جهت سپاه پاسداران در راستای مأموریت ذاتی خود از نخستین روزهای پیروزی انقلاب در هر بعدی از ابعاد که حفاظت و نگهداری انقلاب اقتضا می‌کرده و نهاد‌های رسمی و قانونی از عهده مسئولیت‌های ذاتی خود ناتوان بوده‌اند، وارد عمل شده و به لطف ایمان، صداقت و فداکاری اعضای خود توانسته با خلق حماسه‌های غرورانگیز و افتخارآمیز مانند صحنه‌های به یاد ماندی هشت سال دفاع مقدس در ابعاد نظامی، امنیتی، اطلاعاتی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و حتی سازندگی با سربلندی و افتخار مأموریت خود را به انجام رساند.

تصویب قانون اساسی در چنین شرایطی و تثبیت سپاه از سوی قانونگذار برای استمرار وظیفه نگهداری خود از انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن، بیانگر این است که سپاه پاسداران جزء ماهیت و ذات نظام جمهوری اسلامی است و مانند دستگاه‌های اجرایی تابع رویکردها و تمایلات سیاسی و جناحی دولت‌ها نخواهد بود و هر جایی که ضرورت دفاع از انقلاب و دستاوردهای آن ایجاب نماید باید وارد عمل شود و مأموریت قانونی خود را انجام دهد. نکته آخر آنکه با توجه به ماهیت «پویای قدرت» برای جمهوری اسلامی در سند چشم‌انداز بیست‌ساله و نوع و جهت چالش‌هایی که پیش رو خواهد داشت، «پایش قدرت» برای جمهوری اسلامی نیز بیشتر جنبه نرم‌افزاری خواهد داشت تا سخت‌افزاری به همین دلیل، سپاه پاسداران نیز باید با ساختاری منعطف و قابلیت عمل اقتضایی بتواند از عهده این مهم برآید. - ان شاء الله -

پی‌نوشت‌ها:

۱. ر.ک: عباسعلی عظیمی شوشتری و دیگران، جزوه تحقیقی بررسی جایگاه سپاه در ساختار سیاسی نظام اسلامی ایران، پژوهشکده تحقیقات اسلامی، انتشار محدود، ص ۲۰.
۲. همان.
۳. ر.ک: «سند چشم انداز بیست ساله نظام، آینده جمهوری اسلامی و آرمانهای انقلاب اسلامی» محمدرضا احمدی، فصلنامه حصون، شماره ۱۱.
۴. عباسعلی عظیمی، پیشین، ص ۸۰ به بعد.
۵. با مراجعه به متن این قوانین ابعاد تفصیلی این وظایف روشن می‌شود که در اینجا برای رعایت اختصار از پرداختن به جزئیات آنها صرف نظر شده است.
۶. به همین جهت خدمت رسمی عناصر غیر مسلمان در سپاه پاسداران جایی ندارد و همه پاسداران - با هر عضویتی اعم از پایوران نظامی، کارمندان، اعضاء هیأت علمی مراکز آموزش عالی، سربازان وظیفه و بسیجیان (ویژه) - باید ملتزم به مبانی اسلام و تربیت یافته مکتب نورانی قرآن و اهل بیت و وفادار به انقلاب اسلامی و آرمانها و رهبری آن باشند. (مشروح مذاکرات قانون اساسی، ج ۲، ص ۱۱۷۳).
۷. هر چند بر محققان مسلمان تلاش کرده‌اند دکترین نظام اسلام را تهاجمی معرفی کنند و برخی پژوهشگران داخلی سپاه نیز ماهیت سازمانی آن را تهاجمی فعال ارزیابی کرده‌اند ولی برای آشنایی بیشتر با مبانی اسلامی در این زمینه ر.ک: محمدرضا احمدی، «امنیت، مفاهیم و رویکردها» فصلنامه مریبان شماره ۱۵.
۸. دیدار با علمای اهل سنت کشور به مناسبت هفته وحدت، فروردین ۱۳۸۶.
۹. سوره بقره، آیه ۲۵۶.
۱۰. سوره بقره، آیه ۲۷۹.
۱۱. ر.ک: محمدرضا احمدی، پیشین.
۱۲. ر.ک: عباسعلی عظیمی، پیشین، ص ۸۰.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی